

قوه قضاییه، مبارزه با مفاسد اجتماعی یا جلوگیری از افشای عوامل اصلی آن؟

یکی از بحث های هفته های اخیر محافل سیاسی، اقدامات قوه قضاییه رژیم ولایت فقیه در مورد اجرای احکامی است که به طور فزاینده در منظرهای عمومی به اجرا درمی آید. این موارد از شلاق زدن تا اعدام را شامل می شود. همین امر کشمکش های داخلی جناح های حکومتی را بر سر این مسأله بوجود آورده که دامنه بحث آن به نظر می رسد هر روز گسترش می یابد. روزنامه نوروز، چهارشنبه ۲۴ مرداد نوشت که در روز قبل ده نفر از جوانان تهران که حدود ۲۰ تا ۳۰ سال سن داشتند در میدان ولی عصر و در ملاء عام شلاق خوردند. طبق اظهارات اعلام شده اتهام این جوانان «شرب خمر و مزاحمت برای نوامیس» مردم بود. قبلا خبرهایی این چنینی در جراید عمومی کشور انتشار یافته بود و عکس العمل های متفاوتی را نیز برانگیخت. هاشمی شاهرودی در یکی از سخنرانی هایش در هفته گذشته گفت: «ما در مرکز، با هماهنگی

ضمیمه

نامه مردم

ارکان مرکزی حزب توده ایران

ضمیمه ۶۱۵، دوره هشتم

سال هجدهم، ۳۰ مرداد ۱۳۸۰

کابینه جدید، آزمودن آزمودها

نه ارباب مردم، وی در بخشی دیگر از سخنانش حق تحقیق و تفحص در همه امور کشور و نظارت بر اجرای نظام را حق قانونی مجلس دانست و گفت: «مجلس شورای اسلامی باید بتواند با آزادی و با استفاده از حق طبیعی و قانونی و شرعی خود اظهار نظر کند و ما باید قدردان این فضا باشیم.» خاتمی در قسمتی دیگر از سخنان خود در اشاره به بحث امنیت جامعه، لازمه آن را پیشبرد قانون اساسی کشور ذکر کرد و در این رابطه گفت: «همه باید در چارچوب قانون به سوی اهداف قانون اساسی یعنی پیشبرد مادی و معنوی جامعه حرکت کنیم و باید بکوشیم با تفاهم و از راه های قانونی و فرآیندهای معقول، منطقی و قانونی امکان بهتر این مسئولیت را برای رئیس جمهوری که برای خدا و خلق خدا مسئول است فراهم آوریم.» سخنان خاتمی مبنی بر مردم سالاری دینی و حق و حقوق مجلس از یک طرف و تبعیت از قانون، آنهم پس از تجربه چهار سال گذشته که بدفعات از سلاح «قانون» بر ضد جنبش مردمی سود برده شده است این سؤال را به وجود می آورد که چگونه می توان بی توجه به این تجربیات باز هم آزموده را آزمود. آیا می توان به راحتی بر چالش ها و درگیری اخیر مجلس با شورای نگهبان، مجمع تشخیص مصلحت نظام و دیگر ارگان های سرکوب گر رژیم ولایت فقیه که اتفاقاً تمامی آنها در انطباق با «قانون» بر ضد مجلس به اجرا در آمد و در آینده هم ادامه خواهد یافت، چشم پوشید و باز هم نظریات و نگرش هایی را تکرار کرد که نادرست بودن آنها در بوته آزمایش به اثبات رسیده است. آیا آقای خاتمی نمی داند که چگونه با استفاده از «قانون»، قوه قضاییه روزنامه ها را می بندد، روزنامه نگاران را به زندان می افکند و فعالان

بالاخره پس از هفته ها جدل و کشاکش بر سر ترکیب کابینه جدید، روز یکشنبه ۲۸ مرداد، سید محمد خاتمی، با حضور در مجلس به تشریح برنامه ها و خط مشی دولت و همچنین معرفی وزیران پیشنهادی خود پرداخت. تغییرات جزئی در ترکیب کابینه و اعلام این نظر که دولت جدید در صورت رأی اعتماد در مجموع برنامه های دولت گذشته را ادامه خواهد داد مشاغل مختلفی را در جامعه ایجاد کرد. بسیاری از اصلاح طلبان ضمن انتقاد از ترکیب ضعیف کابینه آنرا پاسخگویی خواست های ۲۲ میلیون ایرانی که در انتخابات ۱۸ خرداد شرکت کردند ندانستند. گنجاندن چهره هایی همچون شمشانی، که به عنوان نامزد جناح راست و رقیب خاتمی در انتخابات شرکت کرده بود به همراه کسانی چون شوشتری، زنگنه، و شریعتمداری که ناراضی عمیقی از عملکرد آنها در چهار سال گذشته به وجود آمد بود، در مجموع ناراضی عمیقی را نه تنها در میان مردم بلکه در طیف وسیعی از اصلاح طلبان نیز پدید آورد. شماری از اصلاح طلبان در سخنرانی خود ضمن اشاره به ترکیب ناهمگون و ضعیف کابینه اظهار می کردند که اگر معرفی کابینه «فرا جناحی» پس از انتخابات خرداد ۱۳۷۶، با توجه به ترکیب مجلس پنجم قابل توجیه بود، ادامه این روند پس از انتخابات ۱۸ خرداد و در حالی که مجلس ششم آماده رأی دادن به یک کابینه «رادیکال» است غیر قابل توجیه است. آقای خاتمی در کنار معرفی وزرا، به مجلس، همچنین بینش ها و برنامه های دولت را برای چهار سال بعدی تشریح کرد که قابل اهمیت است. وی در ابتدای سخنان خود با اشاره به مفهوم نقد که آن را نشانه آزادی و مردم سالاری که در درجه اول باید متوجه قدرت حاکم باشد، گفت: «مردم ما نظام مردم سالاری دینی را برگزیده اند که در این بینش قدرت و حکومت خدمتگزار مردم است

ادامه در صفحه ۲

با فرماندهی لاین تیروی انتظامی که از فرماندهی کل قوا حکم گرفته اند با انجام تشریفات بسیار، مجازات های اسلامی، شلاق اسلامی و حدود اسلامی را به اجرا گذاشته ایم. ما در اجرای این احکام به حرف هیچ باوه گویی که بخواهد در روزنامه ها از این مسئله علیه نظام استفاده کند، گوش نمی کنیم.» (نوروز، ۲۰ مرداد) همین روزنامه در تاریخ ۲۴ مرداد، در یک مطلب کنایه آمیز، با ارباب چند پیشنهاد برای اجرای بهتر این احکام خواستار بخش زنده این احکام در تلویزیون و شبکه های بین المللی شده است. در مورد پیشنهاد دیگر آمده است: «در مورد اجرای حکم شلاق تبعیض اعمال نشود و تمامی احکام شلاق در ملاء عام اجرا شود. اینطور نباشد که فقط بقیه تعدادی جوان گرفته شود. اتفاقاً افراد میانسال و سن بیشتر شایسته اجرای این احکام هستند. بنابراین تمامی افراد اعم از آنان که در کرج یا جاهای دیگر کارهایی را انجام داده اند و یا در غارت اموال مردم شرکت داشته اند و یا ... در ملاء عام مجازات شوند.» اشاره به مورد کرج مربوط به سازمانی در کرج بود که توسط مقامات قضایی به اصلاح برای «بنا دادن دختران فراری» بر پا شده بود و غارت گران اموال عمومی طبعاً باید اشاره به «آقازاده ها» باشد. نگاهی به اجرای قوانین قرون وسطایی در ملاء عام که عمدتاً جوانان میهن ما را نیز هدف گرفته است، ذهن کجی آشکاری است به اصلاح طلبان و روند اصلاحات. قوه قضاییه رژیم ولایت فقیه که در خط مقدم برای سرکوب در اختیار قرار دارد هرسانک از گسترش جنبش مردمی که اتفاقاً جوانان یکی از تهدیدهای اصلی برای آن به شمار می آیند مصمم است با اجرای چنین احکامی به هدف خود که برقراری سکوت قبرستانی بر کل اجتماع است دست یازد. دشمنی آشفتی ناپذیر این نهاد تحت کنترل ولایت فقیه با جنبش مردمی و اقدامات در حال گسترش این نهاد سرکوبگر جهت ایجاد رعب و وحشت، چون در ارتباط مستقیم با توده ها قرار دارد، در صورت تداوم چالش گریز ناپذیری را بین مردم و این نهاد به وجود خواهد آورد.

ولایت فقیه، خط قرمز طرفداران و مخالفان اصلاحات

هفته گذشته اکبر اعلمی نماینده تبریز، در مجلس شورای اسلامی، در سخنان پیش از دستور در مجلس ضمن تشریح موادی از قانون اساسی و اشاره به حاکمیت ملت، مجلس شورای اسلامی را تبلور دهنده حاکمیت مردم دانست که موجودیت سایر قوا را نیز تابعی از آن بیان داشت. وی در این سخنان با بیان این مطلب که مجلس شورا باید از اعمال سلطه برای اعمال قدرت خود بهره گیرد، اصول قانون اساسی را از جهت نظری بدون کمبود دانست. وی موارد متعددی از جمله حق تحقیق و تفحص، رسیدگی به شکایات مردم، اظهار نظر آزادانه در مورد مسائل داخلی و خارجی، استیضاح وزیران، انتخاب حقوق دانان شورای نگهبان و مصونیت پارلمانی نمایندگان را از جمله ابزارهای این سلطه قلمداد کرد. اعلمی در ادامه سخنان خود که بیانگر چالش های اخیر مجلس با نهادهای

ادامه در صفحه ۲

با هم به سوی تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری

برای آزادی، صلح، استقلال، عدالت اجتماعی و طرد رژیم «ولایت فقیه»

ادامه کابینه جدید آزمون...

سیاسی دگر اندیش را برای ماه های متوالی در سلول های انفرادی نگهداری می کند. تمامی این اعمال هم در چارچوب رژیم ولایت فقیه «قانونی» است. خاتمی در اشاره به دیدگاهی که نسبت به دولت او وجود دارد، گفت: «دولت را فقط در ۲۰ وزیر و چند معاون رئیس جمهور ببینید. اولاً دولت یک واحد است که مسئولیت مشترک دارد. البته هر بخش وظایف خاص خود را دارد که باید انجام دهد ولی وظایف هر بخش مکمل بخش های دیگر و در مجموع تشکیل دهنده یک واحد اجتماعی و سیاسی است که همه در مقابل مسایلی که هست مسئولیت دارند.» با توجه به سخنان خاتمی مبنی بر اینکه آیین و میثاق مشترک تنظیم دولت را تهیه کرده که در چارچوب آن وزرا موظفند هماهنگ با هم همکاری کنند، باز این سؤال پیش می آید که اگر چنین دیدی وجودی دارد که هر وزیری با هر عقیده ای موظف به حرکت در چارچوب های مشخصی است، پس لزوم تغییر کابینه در سطح محدود کنونی چه معنایی می تواند داشته باشد؟ در دوره قبل دری نجف آبادی وزیر سابق اطلاعات، نه تنها مجری برنامه های اصلاح گرانه نبود، بلکه با شرکت مستقیم و سازمان دهی قتل های زنجیره ای نشان داد بررغم حضور در کابینه خاتمی مجری اوامر ولی فقیه است. حتی در میان وزرای معرفی شده هم چنین مسأله بی وجود دارد. شوشتری وزیر دادگستری عملاً نشان داده است که وزیر تحت اختیار شاهرودی است. حتی بدون استناد به چنین مواردی باید پرسید مگر در ترکیب و ساختارهای کنونی حاکمیت چه تغییرات عمده ای روی داده که محمد خاتمی مطمئن به پیاده شدن برنامه های خود برای پیشبرد امر اصلاحات در جامعه است؟ خاتمی راهبرد و اولویت دولت آینده را نهادهای جامعه مدنی از طریق رشد قانون گرایان و حاکمیت قانون معرفی کرد و گفت: «راهی جز این برای استقلال و پیشرفت جامعه وجود ندارد. بر این اساس باید نه قانون نقض شود و نه قانون بهانه ای برای پیاده کردن پیشدواری ها و تصصیم های از پیش اتخاذ شده قرار گیرد و همه باید پایبند به قانون باشند.» وی در زمینه عدالت اجتماعی و سیاست های اقتصادی گفت: «محور کار ما همان طرح سامان دهی اقتصادی برنامه سوم با انعطاف پذیری هایی است که در خود برنامه در نظر گرفته شده است.» خاتمی اعتدال را از دیگر راهبردهای دولت خواند و گفت: «جامعه ما از افراط، تفریط و خشونت زیان های زیادی دیده و نیازمند خردمندی و اعتدال است.» وی در این باره ادامه داد: «من از همه عقلای جامعه از هر جناح، دسته و گروه می خواهم بیایم روی اصل اعتدال و خردورزی با حفظ اختلافات و نیز مبارزه با افراط و تفریط در جامعه هماهنگ شویم و به خط و مشی مشترک دست یابیم و جامعه را معتدلانه و خردمندانه به سوی اهداف مشترک و مصالح کلی پیش ببریم.»

سخنان خاتمی مبنی بر اعتدال، برهیز از خشونت، پایبندی به قانون، مبارزه با افراط و مصالح کلی نمایانگر مواضات و چانه زنی با کسانی است که به طور واضح در مقاطع مختلف دشمنی آشکار خود را با جنبش مردمی و توده ها نشان داده اند. از نکات قابل توجه دیگر در سخنان خاتمی اشاره او به نقش و وضعیت زنان در جامعه ما است. وی در این زمینه از جمله گفت: «دین ما به اهمیت و جایگاه زن اهتمام کرده است اما زنان ما دارای محرومیت های مضاعف هستند.» وی غنث مضاعف بودن محرومیت های زنان در جامعه را وجود برخی ذهنیت ها و سنت هایی دانست که گاه رنگ دین هم گرفته است. وی همچنین افزود: «باید زمینه ای را فراهم کنیم تا از یکسو زنان بتوانند در عرصه های مختلف اجتماعی توانایی خود را بیشتر نشان دهند و از سوی دیگر دولت و جامعه با اهتمام مضاعف به امر زنان، محرومیت های مضاعف آنان را مرتفع سازند.» با توجه به اظهار نظرهای بالا این سؤال مطرح است که چرا با چنین اعتقادی در مورد به کارگیری زنان در پست های اجرایی نعمل صورت گرفته است. آقای خاتمی در جمع بندی سخنان خود از جمله اشاره کرد که: «اگر مطالبات مردم را در نظر نگیریم و اگر این مطالبات در چارچوب امکانات مطرح نشود نتیجه آن گسست دولت و ملت است و در این صورت تحولات جامعه هزینه های زیادی در پی خواهد داشت و ملت ما که امروز دموکرات ترین چهره را در عرصه جهانی نشان داده است ممکن است به روش های غیر دموکراتیک متوسل شود.» البته در اینجا روشن نیست که منظور از روش های غیر دموکراتیک چیست؟ به عنوان مثال حضور خانواده زندانیان سیاسی در مقابل مجلس هنگام حضور او برای معرفی کابینه و اعتراض آنها نسبت به ادامه این دستگیری ها غیر دموکراتیک است یا دموکراتیک؟ اختصاب، نظاهرات، راه پیمایی بر ضد رژیمی که به هیچیک از موازین بین المللی و شناخته شده انسانی پایبند نیست، نه تنها غیر دموکراتیک نیست بلکه دقیقاً در راستای دستیابی به یک جامعه آزاد و دموکراسی کامل قرار دارد. حزب نوده ایران سلسله اتفاقات سیاسی چند هفته اخیر میهن را با توجه به ساختار کنونی حاکمیت نه غیر منتظره می داند و نه غیر قابل پیش بینی. این تجربه ای است ارزنده برای جنبش مردمی که باید با شناخت دقیق توان، ضعف ها و نا پیگیری ها در مسیر تداوم اصلاحات، فسنن بالای خود به تداوم راه سخت و دشوار، اما پیرومند خود ادامه دهد. تجربه چهار سال اخیر از توانمندی بالای این جنبش حکایت دارد. نخستین گام سید محمد خاتمی، در زمینه معرفی کابینه بی که بیش از پاسخگویی به نیازهای جامعه ما پاسخگویی زود بندها در هم حاکمیت است نمی تواند نگرانی جدی نیروهای منرفی و اصلاح طلب جامعه ما را بر نیانگیزد.

ادامه ولایت فقیه خط قرمز...

سرکوبگر تحت کنترل ولی فقیه می باشد و هدف تمامی آنها به زانو درآوردن مجلسیان و مفید کردن آنها به اوامر ولی فقیه بوده، گفت: «بنابراین مجلسی که در موردی از موارد فوق، خلع ید و مسلوب الاراده و اختیار گردد، جز تبدیل شدن نظام به نظامی متفاوت و متعارض با اصول قانون اساسی و بر هم خوردن تعادل و توازن نظام جمهوری اسلامی، ترمه دیگری نخواهد داشت.» وی در ادامه اظهار داشت: «مجلسی که بر خلاف صلاحدید خود قانون وضع کند، مجلسی که مجاز به تحقیق و تفحص در همه امور کشور نباشد و مجمع تشخیص مصلحت نظام جواز این تحقیق و تفحص را برای آن صادر کند. مجلسی که در تصویب قوانین عادی خود حتی اختیارات و صلاحیت یک قاضی را دارا نبوده و باید تابع شورای نگهبان باشد، مجلسی که در انتخاب حقوق دانان باید تسلیم تمایلات رئیس قوه قضاییه گردد و نمایندگان آن هم در اظهار نظرهای خود از آزادی کامل محروم باشند، نمی تواند به عنوان مرکز همه قدرت ها و صدر نشین سلسله مراتب قدرت اعمال اقتدار نموده و اصلاح کننده تمام امور باشد.» (نوروز، ۲۲ مرداد) هر چند محتوای چنین سخنانی به واسطه تجارب مکرر در ماه های برجنب و جوش گذشته در عرصه سیاسی میهنان برای توده ها روشن گردیده اما سخنان بسیار روشن اعلی در صحن مجلس نشان گر واقعیت های ملموسی است که کم کم و هر روز نسبت به گذشته بیشتر ابراز می شود. این کلیدی ترین بحث در صحنه سیاسی کشور در گذشته ای نه چندان دور از طرف تعداد زیادی از فعالان سیاسی بخصوص در بین طیف جناح حکومتی طرفدار اصلاحات چه آگاهانه و چه غیر آگاهانه موضوع درجه اول محسوب نمی گردید. روند تحولات سیاسی میهن و نقش آشکار نهاد ولایت فقیه و دیگر نهادهای سرکوبگر در اختیار آن، عملاً نشان داد بدون برطرف کردن این معضل اصلی، امیدی برای اینکه بشود در چارچوب ساختارهای این جنبشی به پیشرفتی برای اصلاحات دست پیدا کرد، وجود ندارد. در صورتی که تلاش اصلاح طلبان در میهن با سرکوب کامل مواجه نگردد و تنش های جنبش مردمی با نهاد ولایت فقیه افزایش یابد نیروهای سیاسی طرفدار اصلاحات در داخل حکومت مجبورند بین دو گزینه کاملاً روشن یکی را انتخاب کنند. در صورت تعمیق جنبش، بینابینی عمل کردن، بند بازی کردن، توهم در بین توده ها ایجاد کردن و امید به چانه زنی و مذاکره کردن، عملکردهای گذشته خود را از دست می دهد. خط قرمز جنبش مردمی در هسان نقطه ترسیم می شود، تبعیت از ضوابط و الزامات مربوط به ولایت مطلقه یا حرکت به سمت طرد رژیم «ولایت فقیه».

21th August 2001

آدرس ها: خدا در مکانات خود با آدرس های زیر، از ذکر هرگونه نام اضافی خودداری کنید.

1-Postfach 100644, 10566 Berlin, Germany
2- B.M. Box 1686, London WC1N 3XX, UK
3. <http://www.tudehpartyiran.org>
4. E-mail: mardom@tudehpartyiran.org

شماره فاکس و
تلفن پیام گیر ما
۰۰-۴۹-۳۰-۳۲۴۱۶۲۷

Supplement to Nameh Mardom-NO 615
Central Organ of the Tudeh Party of Iran

حساب بانکی ما:

نام
IRAN e.V.
شماره حساب
790020580
کد بانک
10050000
بانک
Berliner Sparkasse